دکتر علی‌عسکری در نشست با اعضای کمیسیون کشاورزی مجلس:
رسانه‌ملی حامی کشاورزان است

آغاز هفته وحدت را گرامی می‌داریم

گفت‌وگوی «بوق اشغال» با دکتر پیروز مجتهدزاده
دروغگویی، مادر فتنه‌هاست

جام جم

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران

www.jamejamdaily.ir

پنجشنبه ۸ آبان ۱۳۹۹ | ۱۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست‌ویکم - شماره ۵۷۹۰ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Thursday - October 29, 2020

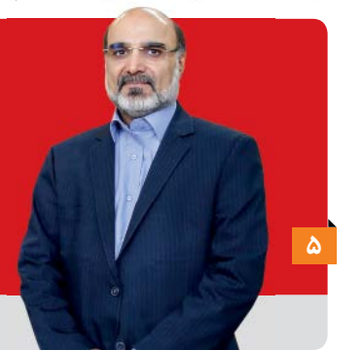

۵

۲۰

پیام رهبر انقلاب خطاب به جوانان فرانسه در پی اقدام توهین‌آمیز رئیس جمهوری این کشور درباره پیامبر اعظم(ص)

دعوت جوانان فرانسه به روشنگری

چرا تردید در هولوکاست جرم است؟ و اگر کسی چیزی در این‌باره نوشت باید به زندان برود اما اهانت به پیامبر(ص) آزاد است؟

۱

طرح: احسان نجفی | جام جم

ویژه‌ها

گزارش جام جم از مراکز غیرقانونی سقط جنین که به شکل آشکار درحال تبلیغات هستند

قاتلان اهلی

«پدر و مادرها، روزانه هزار جنین را می‌کشند»، این آمار را وزارت بهداشت و درمان داده و تایید کرده که سالانه ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار سقط جنین غیرقانونی در کشور انجام می‌شود. برخی آمار دیگر اما از ۲۵۰ تا ۶۰۰ هزار سقط جنین در سال حکایت دارد. هرچند به این آمارهای متفاوت نمی‌توان استناد کرد، اما کم نیستند کارشناسانی که از آمار بالای سقط جنین در کشور نگرانند، چراکه این روزها متخلفان خدمات سقط جنین، انتخاب‌های متفاوت ارائه می‌کنند و برای مشترهای ناآگاه‌شان بسته به وسع مالی آنها نسخه می‌پیچند. آن هم در مطب‌های شیک یا هرجا که مشتری مشخص کند.

۱۸

حاشیه‌نگاری از هفتمین جلسه دادگاه محمد امامی، متهم اقتصادی بانک سرمایه

یک صبح متفاوت

۲

رکورد شکنی‌های پی در پی کرونا از موفق نبودن سیاست‌های مقابله با این بیماری حکایت دارد

کرونا ۴۱۵، ما هیچ!

تکرار فاجعه از اهمیت آن می‌کاهد، ۴۱۵ کشته در یک روز فاجعه است اما تکرار آن در روزهای بعد از اهمیت اولیه آن تعداد کم می‌کند. اما اگر این تعداد را طور دیگری بخوانیم متوجه ابعاد فاجعه پیش رویمان می‌شویم. روزی ۷۰۰۰ مبتلای جدید یعنی ۲۱۰ هزار مبتلا در ماه و ۴۱۵ کشته در روز یعنی بیش از ۱۲هزار خانواده سیاهپوش در ماه. برای آنچه در جریان است همین بس که بدانید اگر خواندن این گزارش کوتاه تنها پنج دقیقه از زمان شما را گرفته باشد، در همین مدت ۱۸ نفر به واسطه ابتلا به کرونا جانشان را از دست داده‌اند. هراس اما محدود به تعداد قربانیان روزانه نیست...

۱

بررسی اشعار جعلی که در فضای مجازی به قیصر امین‌پور نسبت می‌دهند

بدل‌های قیصر در اینستاگرام

۱۲

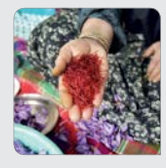

اهالی روستای وامنان با تغییر الگوی کشت و ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی، رونق را به روستایشان بازگردانده‌اند

خاکی که طلا شد

۱۶

یادداشت

قانون سپر

کمیل خجسته
تحلیلگر مسائل سیاسی

قانون برخی گروه‌ها و قبایل برای ماندن و پیش رفتن این بود: جنگجویی که کلاهخود یا زره‌اش را از دست بدهد، بدون مجازاتی از سپاه طرد می‌شود اما کسی که سپرش را از دست بدهد از قبیله اخراج می‌شود. علت آن ساده بود: کلاهخود و زره برای محافظت شخصی است، اما سپر برای حفاظت از کل سپاه است. زمانی که یك سپاه در مقابل یك حمله بزرگ قرار می‌گیرد، سپاهیان کنار هم قرار می‌گیرند و سپرهای‌شان را به یکدیگر می‌چسبانند تا روزنه نفوذ و ورود تهدید به لشکر از بین برود. و اگر سپری بیفتد راه باز می‌شود و از همان نقطه سپاه مغلوبه می‌شود. در ادبیات هم سپر انداختن کنایه از پذیرش شکست است؛ مثل «چاره مغلوب نیست جز سپر انداختن». امروز هم جامعه ایرانی به عنوان یك سیستم بزرگ زیر فشار سه تهدید قرار دارد: ۱- کرونا که تهدیدی بر سلامت افراد و کسب و کار است. ۲- فشار تحریمی- رسانه‌ای آمریکایی‌ها تا ایرانی‌ها از هم گسسته شوند. مثل اتفاقی که در مهر ۹۸ در عراق یا آبان همان سال در ایران افتاد. ۳- فشار اقتصادی که ناشی از عدم پاسخ راه‌های دولت مستقر برای عبور از وضع موجود و تهدیدات خارجی است.

فشار چگونه برداشته می‌شود و کی این اوضاع تمام می‌شود؟

در شرایط فشار روی جامعه، قانون سپر می‌گوید که افراد باید به همدیگر نزدیك شوند. در چنین حالتی سپرها کنار هم قرار می‌گیرد و یك دیوار دفاعی در مقابل آن فشار ساخته می‌شود. در اصول کسب و کار گفته می‌شود قدرت و استقامت یك شرکت در برابر فشارها و تهدیدات نه از محصولات آن، بلکه از میزان همکاری افراد آن است. این به هم چسبیدگی جامعه و متصل بودن‌شان موجب می‌شود تهدیدات نتواند سیستم را مختل کند و از کار بیندازد. همدلی وقتی چنین شد اولا تهدیدات کم اثر می‌شود، ثانیا افراد فعال و مسوول با آزادی عمل و قدرت خلاقانه بیشتری می‌توانند به فشارها پاسخ دهند و راه برون رفت از آن را بیابند. رهبران سیستم‌های موفقیت در چنین حالتی تلاش می‌کنند تا سازمان‌شان را منسجم‌تر کنند تا از تنش‌های داخلی جلوگیری کنند و فشار آورنده برعکس تلاش می‌کند سپاه را از هم گسسته کند که اگر چنین کند می‌تواند ضربه کاری خود را بر آن وارد کند. کاری که معاویه با سپاه امام حسن(ع) کرد همین بود وگرنه معاویه نمی‌توانست آن سپاه را شکست دهد. به همین دلیل ابتدا آن را گسسته کرده و سپس تلاش کرد ضربه نهایی را بزند که به تدبیر امام(ع) آن نیرنگ به سرانجام نرسید. رزمایش همدلی و احسان که رهبری از آغاز کرونا تا امروز سه بار آن را فراخوان زده‌اند- جدا از کارکرد مردمی‌اش- یك کارکرد راهبردی هم دارد و آن این که جامعه را به هم نزدیك‌تر می‌کند. وقتی مردم پای کار همدیگر آمدند قدرت دفاعی جامعه در مقابل فشارها بیشتر هم می‌شود. اشتباهی که مصدق در دوران نخست وزیری‌اش کرد این بود که وقتی انگلیسی‌ها تحریم‌های سخت را به او تحمیل کردند، به جای کمك گرفتن از مردم به وعده آمریکایی‌ها دل خوش کرد. به جای این که مردم را درگیر اقتصاد کند با کنسرسیوم هفت خواهران نفتی آمریکایی قرارداد بست. مصدق سپر را کنار گذاشت و با سیلی کودتا از خواب برخاست. از طرف دیگر وقتی سیستم سپرش بر زمین نیفتاد و توانست تهدیدات خارجی کرونا و فشار غرب را کنترل کند در فرآیند مواجهه با تهدید سوم هم می‌تواند با توجه به تجربه مردمی که در طول این سال‌ها کسب کرده با انتخاب درست یك کارگزار به سمت حل آن برود.

پیام رهبر انقلاب خطاب به جوانان فرانسه در پی اقدام توهین‌آمیز رئیس جمهوری این کشور درباره پیامبر اعظم(ص)

دعوت جوانان فرانسه به روشنگری

اظهارات امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه در تأیید کاریکاتور توهین‌آمیز به پیامبر اسلام صلوات‌ا... علیه و آله، باعث خشم مسلمانان در سراسر جهان شده است. به همین علت حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی ایران خطاب به جوانان فرانسوی پیامی کوتاه صادر کردند. متن این پیام که به زبان فرانسوی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، به شرح زیر است:

بسمه‌تعالی

جوانان فرانسه!

از رئیس جمهور خود بپرسید: چرا از اهانت به پیامبر خدا حمایت می‌کند و آن را آزادی بیان می‌شمارد؟ آیا معنی آزادی بیان این است: دشنام و اهانت، آن هم به چهره‌های درخشان و مقدس؟ آیا این کار احمقانه، توهین به شعور ملتی نیست که او را به ریاست خود انتخاب کرده است؟ سوال بعدی این است که چرا تردید در هولوکاست جرم است؟ و اگر کسی چیزی در این باره نوشت باید به زندان برود اما اهانت به پیامبر(ص) آزاد است؟

گزارش خبری

کرونا ۴۱۵، ما هیچ!

رکورد شکنی‌های پی در پی کرونا از موفق نبودن سیاست‌های مقابله با این بیماری حکایت دارد

میثم اسماعیلی
جامعه

تکرار فاجعه از اهمیت آن می‌کاهد، ۴۱۵ کشته در یک روز فاجعه است اما تکرار آن در روزهای بعد از اهمیت اولیه آن تعداد کم می‌کند. اما اگر این تعداد را طور دیگری بخوانیم متوجه ابعاد فاجعه پیش رویمان می‌شویم. روزی ۷۰۰۰ مبتلای جدید یعنی ۲۱۰ هزار مبتلا در ماه و ۴۱۵ کشته در روز یعنی بیش از ۱۲هزار خانواده سیاهپوش در ماه. برای آنچه در جریان است همین بس که بدانید اگر خواندن این گزارش کوتاه تنها پنج دقیقه از زمان شما را گرفته باشد، در همین مدت ۱۸ نفر به واسطه ابتلا به کرونا جانشان را از دست داده‌اند. هراس اما محدود به تعداد قربانیان روزانه نیست؛ هولناکی ماجرا این است که با توجه به روند موجود امیدی به بهتر شدن وجود ندارد. ستاد ملی مقابله با کرونا قوانینی مصوب می‌کند که اجرایی نمی‌شود و جالب اینجاست به جای این که شهروندان از اجرایی نشدن آن قوانین گلایه کنند، خود رئیس ستاد مقابله با کرونا شکوه می‌کند! در گفتار مسؤولان وزارت بهداشت هم مدام از تغییر رفتار اجتماعی مردم حرف زده می‌شود و تنها چاره برون رفت از شرایط کنونی را «تغییر در باور و رفتار تک‌تک مردم» می‌داند اما اراده‌ای برای ایجاد محدودیت‌ها دیده نمی‌شود.

چرخه تکراری مرگ

۴۱۵ کشته کرونایی در روز گذشته، معلول چیست؟ چه روندی در حال طی شدن است که این تعداد در یک روز را به کام مرگ کشانده است؟ مسعود مردانی، عضو ستاد ملی مقابله با کرونا از همان ابتدا صراحت بیشتری در رابطه با اعلام نظر و البته آمارهای واقعی داشته است. او به جام جم می‌گوید: «چرخه مشخصی در رابطه با ابتلا و مرگ وجود دارد. به این مفهوم که تاثیر رعایت نکردن پروتکل‌های بهداشتی و حضور در تجمعات و غیره ۱۵ روز بعد به صورت مراجعه سرپایی به مراکز درمانی خودش را نشان می‌دهد، ۲۱ روز بعد موارد بستری افزایش پیدا می‌کند و یک ماه بعد از آن نتیجه این رفتار در تعداد مرگ‌های روزانه خودش را نشان می‌دهد.» باور به چرخه مورد اشاره این عضو ستاد ملی مقابله با کرونا به این مفهوم است که با توجه به افزایش تعداد مبتلایان روزانه در هفته گذشته، تعداد کشته‌های روزانه تا چهار هفته بعد همچنان شیبی صعودی خواهد داشت.

نسبت عجیب ابتلا و مرگ در ایران

حالا اعضای ستاد ملی مقابله با کرونا می‌گویند عدد واقعی تعداد کشته‌های روزانه را با ۲/۵ برابر کردن عدد اعلام شده می‌توان متوجه شد. ابهام دیگر در آمارهای روزانه مربوط به نسبت عجیب تعداد مبتلایان و تعداد کشته‌ها در ایران است. در حالی که این نسبت در دیگر کشورها فاصله معناداری با ایران دارد. به عنوان مثال کشور انگلیس با تعداد متوسط روزانه ۱۸ هزار مبتلا تنها ۱۰۰ کشته دارد در حالی که ایران با ۷۰۰۰ مبتلا ۴۱۵ کشته در یک روز داشته است. رضا کرمی محمدی، رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران هم با بیان این که نسبت تعداد فوتی‌ها به مبتلایان در کشور ما در مقایسه با سایر نقاط جهان بیشتر است، می‌گوید: «در حال حاضر بیش از نیمی از تعداد فوتی‌های روزانه کرونا در کشور مربوط به تهران است.» مسعود مردانی اما تعداد مبتلایان روزانه ایران را هم غیرواقعی می‌داند. او می‌گوید ملاک استاندارد و قابل پذیرش تشخیص مبتلا در نگاه سازمان بهداشت جهانی فقط انجام تست PCR است در حالی که بسیاری از مبتلایان در ایران به دلیل گرانی، این آزمایش را انجام نمی‌دهند. نرخ مصوب انجام این تست برای بخش خصوصی در ایران ۵۸۰ هزار تومان است در حالی که در بسیاری از کشورها این تست رایگان است. به گفته مردانی «اگر تست رایگان در دسترس مردم قرار داشت میزان ابتلا در ایران ۷۰۰۰ مورد اعلام شده نبود و این عدد قطعا بالاتر از ۲۰ هزار مبتلا در روز بود. فارغ از آن بسیاری از موارد ابتلا نه با تست PCR که به واسطه سیتی اسکن مشخص می‌شوند و این افراد در فهرست مبتلایان قرار نمی‌گیرند.»

اولویت‌بندی بیماران در صف کرونا

توان کادر درمان پایین آمده و موج مهاجرت پرستاران ایران افزایش یافته است، تخت‌های مراقبت ویژه بیمارستان‌ها اشغال شده و همین دیروز رئیس دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز دست یاری به سوی ارتش دراز کرده است. وزیر بهداشت اما می‌گوید با اعلام اشغال تخت‌های بیمارستان مردم را نترسانیم! وضعیت خود بیمارستان‌ها هم تعریفی ندارد، یکی از پرستاران شاغل در بیمارستانی در همدان به ما می‌گوید در مواجهه با بیماران روش آزمون و خطا در پیش گرفته‌اند. او می‌گوید به بیماران تا بدحال نباشند رمدسیویر نمی‌زنند و فقط برای آنهایی که وارد مرحله حاد می‌شوند این دارو استفاده می‌شود. پیش از او هم پیام طبرسی، رئیس بخش عفونی بیمارستان مسیح دانشوری از اولویت بندی بستری‌ها حرف زده و اعلام کرده بود وجود ۵۰۰۰ بیمار بستری کرونایی در بیمارستان‌های تنها یک شهر به معنای فاجعه است.

وضع قانون برای اجرا نشدن

ستاد ملی مقابله با کرونا و دولت مدام بر رعایت پروتکل‌ها از سوی مردم تاکید دارند، در نگاه آنها احتمالا رفتار اجتماعی مردم معلول اصلی افزایش چرخه سرایت است. در مقابل اما خود مصوبات ستاد از سوی دولت اجرایی نمی‌شود. در حالی که بیشتر از نصف تعداد کشته‌های روزانه متعلق به تهران است، محدودیت‌ها در این شهر محدود به دورکاری ۵۰ درصدی کارمندان شده است. مسعود مردانی که یکی از اعضای همین ستاد است، می‌گوید مقصر قلمداد کردن رفتار مردم در فراگیری کرونا «بی انصافی» است. مصداق او تصمیم به بازگشایی مدارس در نیمه شهریور امسال و نبود اراده لازم دولت در اجرای محدودیت‌هاست. به باور او هنوز سلامت مردم در اولویت تصمیم‌ها قرار ندارد. به باور او تغییر رفتار مردم باید همراه با تصمیم‌های مدبرانه مسؤولان باشد. محدودیت رفت‌وآمد شبانه، برخورد با مراکز تجمع و غیره از معمولی‌ترین تصمیم‌هایی است که توان اجرای آن در دولت وجود دارد اما همه اینها حالا به شکلی معکوس تبدیل به گلایه رئیس جمهوری از اجرایی نشدن مصوبات ستاد شده است!

درنگ

در جست‌وجوی یک روز گمشده

دکتر سیدبشیر حسینی
استاد دانشگاه

به نظر می‌رسد چیزی که در تقویم ما روز خاصی را به خودش اختصاص نداده، چندان رسمیتی برایمان ندارد. گرچه بسیاری از همین مناسبت‌های ملی هم که جاخوش کرده‌اند توی تقویم، مفهومشان لای عدد و رقم‌های روز و ماه و سال گم‌شده و تنها یک ویترین هستند برای آنکه بگوییم ما چنین روزی را ارج می‌نهیم و بس! مثلا روز زبان فارسی داریم ولی مکالمات روزانه مان به خصوص در فضای مجازی پر است از عبارات و واژه‌های بیگانه. یکی از همین روزها و مناسبت‌های مهجورمانده در تقویم که حتی متولیان اصلی آن هم از وجودش غافلند، روز ملی نوجوان است.

البته به یمن کتاب فارسی مقطع دبستان نام شهید فهمیده لااقل یک بار به گوش نسل نوجوان کشور می‌خورد ولی شاید کمتر کسی از آنها بداند که روز شهادت او، یعنی هشتم آبان در تقویم کشورمان عنوان روز ملی نوجوان را یدک می‌کشد. متاسفانه جز معدود جاهایی مثل همین ضمیمه نوجوانه جام جم کمتر جایی به این موضوع و البته خود نوجوان‌ها اهمیت می‌دهد. انگار در خانه زندگی همه انسانها که کودکی در طبقه اول آن است و بعد طبقات بالاتر می‌رسد به جوانی و بزرگسالی و...، نوجوان‌ها ساکنین طبقه وسط هستند. طبقه ای که در ذهن مسؤولان، خانواده‌ها و حتی اهالی هنر و فرهنگ و اندیشه مان هم متروکه است.

البته پای تبلیغات و به رخ کشیدن میزان روشنی فکرمان که وسط می‌آید، واژه‌های «آینده سازان»، «سرمایه‌های مملکت» و «نسل چهارم انقلاب» را قطار می‌کنیم که مثلا از اهمیت پرداختن به خواسته ها، نیازها و دغدغه‌های این قشر مهم از جامعه آگاهیم. ولی آنجا که باید خون تازه در رگ‌های تصمیم‌گیری‌های کشور جاری شود، مهر عدم اعتماد به پیشانی این نسل می‌زنیم و می‌خواهیم آینده‌ای را که از آنِ همین هاست، آنچنان که خودمان دوست داریم و مصلحت می‌دانیم رقم بزنیم. جالب این جاست که از هرکدام‌مان سؤال کنند مهمترین روزهای زندگی‌ات؛ زمانی که هویت فردی و اجتماعی‌ات را پیدا کردی؛ با استعدادهایت روبه رو شدی و قدم در مسیری گذاشتی که تو را امروز به نقطه ای موفق در جوانی، میانسالی یا حتی پیری رسانده است کی بوده؟ بدون تردید یاد ایام خوش نوجوانی می‌افتیم. اما هنگامی که قرار است سرمنشأ انتخاب‌های بزرگ، تصمیم‌های جریان ساز و فعالیت‌های ماندگار باشیم، یادمان می‌رود مناسبات و سازوکارهای مربوط به این قشر پر اهمیت جامعه را در نظر بگیریم. کاش؛ این جمعیت بیش از ۸ میلیونی نوجوان کشورمان را دقیق‌تر ببینیم، به فکرشان باشیم و نه تنها در روز تقویمی مربوط به آن‌ها بلکه در تمام طول سال، دغدغه ایشان را داشته باشیم.